**درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری(دام ظله)**

**جلسه188 – 11/ 12/ 1397 اطلاق شرطیت و جزئیت برای ناسی /دوران امر بین اقل و اکثر /قاعده احتیاط**

خلاصه بحث:

بحث درباره چگونگی تصویر واجب بودن ما عدای جزء منسی برای ناسی بود. مرحوم آخوند دو تصویر در کفایه و یک تصویر در حاشیه رسائل بیان کرده است. ایشان در کفایه اینگونه تصویر کرده اند که شارع مقدس دو امر دارد یک امر مطلق به ما عدای جزء منسی که مخاطب آن ناسی و ملتفت است و یک امر به جزء منسی که مختص به ملتفت می باشد. تقریب دوم ایشان این است که به عنوان عام یا خاصی که ناسی را دربردارد بدون آنکه ناسی به نسیان خود التفات پیدا کند.

در این جلسه کلام شهید صدر درباره کیفیت تصویر تکلیف ناسی به ما عدای جزء منسی مورد بررسی قرار گرفته و بحث از خارجیت داشتن تصویرهای مذکور در کلام مرحوم آخوند یا غیر واقعی بودن آنها در آینده مورد بررسی قرار می گیرد که لبّ آن خلط بین انحلال در مقام ثبوت و انحلال در مقام اثبات است.

**تصویر شهید صدر از تکلیف ناسی به ما عدای جزء منسی**

مرحوم صدر[[1]](#footnote-1) می فرماید: پیش فرض توجیهات ذکر شده در کلام مرحوم آخوند و مرحوم نائینی، وجود دو خطاب برای تصحیح تکلیف ناسی به ما عدای جزء منسی است در حالی که با یک خطاب نیز می تواند تکلیف ناسی را تصحیح کرد.

ایشان خطاب به ناسی را به دو نحو تصویر کرده است:

1. شارع مقدس به ناسی و ملتفت امر به جامع بین فاقد جزء منسی مقارن با نسیان و واجد تمام اجزاء کرده است. به همین دلیل، اگر ملتفت کامل را اتیان نکند، امر را امتثال نکرده است زیرا به حصه ای از ناقص که مقترن با نسیان بود، امر شده بود و ملتفت مأمور به کامل بود. ناسی نیز چون التفات ندارد، مأمور به ناقص است و با اتیان ما عدای جزء منسی، تکلیف را امتثال کرده است. شهید صدر مطابق تقریرات سید حائری و سید هاشمی[[2]](#footnote-2)، اضافاتی دارند که به نظر می رسد نیازی به آنها نیست. به هر صورت، مفاد این راه کار این است که شخص ملتفت مثلا به ده جزء تحریک شده و شخص ناسی و غافل به نه جزء تحریک می شود اما با عنوان واحدی که شامل هر دوست.

2. خطاب واحدی با عنوان الاجزاء المتلفت الیها صادر شده است که این خطاب شامل ناسی و ملتفت است تنها ملتفت به تمام اجزاء التفات دارد و در نتیجه مکلف به اتیان تمام جزاء است ولی ناسی ملتفت به ما عدای جزء منسی است و مکلف به همین میزان است. مثلا ناسی از سوره، ملتفت به

سایر اجزاء است و سایر اجزاء مأمور به اوست و ملتفت به سوره، ملتفت به تمام اجزاء است و به تمام اجزء تکلیف شده است.

ایشان در ادامه در مقام اشکال به راه حل ارائه شده در کلام مرحوم آخوند و مرحوم نائینی بر می آیند که در جلسات گذشته بیان شد: اشکال ایشان وارد نیست.

**بررسی کلام شهید صدر**

آیا راه حل های مذکور در کلام شهید صدر کارایی داشته و سبب می شود تکلیف ناسی به ما عدای جزء منسی، تصحیح شود؟

شهید صدر مطابق راه کار اول، جامع بین ناسی و ملتفت را در نظر گرفته است اما:

1. از نظر اثباتی، تصویر این جامع غیر عرفی است زیرا باید عرف تمام خصوصیات این جامع را تصویر کند که تصویر آن توسط عرف، بعید به نظر می آید. به همین دلیل، نمی توان خطابات را حمل بر جامع کرد. عدم امکان محرّکیت داشتن امر در مقام اثبات باعث می شود از نظر ثبوتی نیز مشکل ایجاد شود. البته ممکن است گفته شود: شارع با تعبیر ناقص به شرط نسیان و کامل، جامع را به تصویر بکشد.

2. اشکال اصلی این است که جامع مطرح شده در کلام شهید صدر، جامعی حقیقی نبوده و جامع انتزاعی است به همین دلیل برای تصویر این جامع باید دو صنف آن نیز در نظر گرفته شده و ناقص مقترن با نسیان و کامل همراه با سوره، تصور شود. اما آیا ناسی می تواند این جامع را تصویر کند؟ ناسی نمی تواند ناقص مقترن را با نسیان را تصوّر کند زیرا ناسی به نسیان خود التفات ندارد و لازمه تصور ناقص مقترن با نسیان، از بین رفتن نسیان و خلف فرض است. کامل مشتمل بر سوره را نیز نمی تواند تصور کند زیرا فرض آن است که ناسی از سوره است. در نتیجه ناسی نمی تواند به این امر تحریک شود تا به دنبال امتثال باشد. به عبارتی دیگر، با فرض قید و قیود داشتن صلاه به نحوی که مانع تصوّر آن است، تحریک به آن نیز ممکن نیست.

در جلسه آینده این بحث تکمیل خواهد شد.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین

1. مباحث الأصول، ج‏4، ص: 379 [↑](#footnote-ref-1)
2. بحوث في علم الأصول، ج‏5، ص: 369 الأول: ان يكون التكليف بالجامع بين الصلاة الناقصة المقرونة بالنسيان و الصلاة التامة و هو التكليف موجه إلى طبيعي المكلف فلا يلزم منه عدم إمكان وصوله إلى الناسي لأن موضوعه كل مكلف غاية الأمر ان الناسي يرى نفسه متذكرا دائما و آتيا بأفضل الحصتين من هذا الجامع مع انه انما تقع منه أقلهما قيمة و لا محذور في ذلك بل هذا من قبيل ان يأمر المولى بالجامع بين الصلاة في المسجد و الصلاة في البيت و يصلي المكلف في البيت بتصور انه مسجد فانه على كل حال منبعث عن شخص ذلك الأمر بالجامع. [↑](#footnote-ref-2)